

هم زمان با شروع ساخت زیرگذر حرم، یک گروه باستان‌شناس برداشت‌های تاریخی و تکرارنشدنی از حرم مطهر داشتند

سفر به عمق زمان در ۵۰ متری ضریح

سیده نغمه زینبی| نخستین تخریب بافت اطراف حرم را باید به زمان پهلوی اول نسبت داد؛ زمانی که نخستین میدان شهر بر گرد حرم امام‌رضا^(ع) با نام فلکه شمالی و جنوبی شکل می‌گیرد. پس از آن ولیان، استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس، دومین تخریب بزرگ بافت تاریخی اطراف صحن‌وسرای حضرت را رقم می‌زند و فضای سبز اطراف حرم را شکل می‌دهد. تخریب بازار بزرگ شهر و بسیاری از کوچه‌هایی که با حرم فاصله‌ای نداشتند، سبب می‌شود بافت یکدست حرم مطهر به هم بریزد و بازار رضا بر روی خرابه‌های آن ساخته شود.

این دو تخریب اگرچه زخم‌هایی عمیق به بافت تاریخی مشهد می‌زند، آن را از تک‌وتا نمی‌اندازد، در مرحله بعد ساخت زیرگذر حرم مطهر توانست بار ترافیکی این محدوده را تا حدود زیادی کاهش دهد، ولی ضرر جبران‌ناپذیری به بافت تاریخی مشهد وارد کرد؛ آن چنان که این بافت در ادامه با اجرای طرح توسعه نوسازی وبهسازی حرم‌به‌لکه‌هایی بی‌رنگ‌و‌رواز تاریخی تبدیل شد.

در این دوران، دکتر رجبعلی لباف‌خانیک‌ی که آن زمان معاون سازمان میراث‌فرهنگی خراسان بوده‌است، تلاش می‌کند در کنار این پروژه حاضر شود. درواقع او به‌همراه چند نفر دیگر به بافت درحال تخریب اطراف حرم -که قرار است از دل آن زیرگذر حرم بیرون بیاید- می‌روند تا بتوانند پیش از تخریب هر قسمت، کاوش کنند. سه دهه از آن زمان می‌گذرد و حالا لباف‌خانیک‌ی در جلسه‌ای که به‌همت «مکتب بافت» برگزار شده است و سپس در مصاحبه‌ای با خبرنگار شهرآرا از این تجربه می‌گوید تا آه حسرت‌بار یک فقدان همیشگی را از نهاد مشهدودستان بلند کند.



تاریخ در زیر حرم

وقتی که اجازه حضور چند باستان‌شناس در اطراف حرم برای کاوش صادر می‌شود، این تجربه، دریچه‌ای مهیج و تاریخی به روی آن‌ها می‌گشاید. انگار یک فیلم بردازانه قرار است ساخته شود و آدم‌هایی از دنیای معاصر پرتاب شوند به جهانی مخلوط از چند دوره زمانی که اگر به دانش نرسند، لودرها و بولدوزرها آن را می‌بلعند، ظرف‌ها، اسکلت‌ها، اجزهای کهنه، سفال‌ها و سازه‌های کهن از دل خاک بیرون می‌آیند تا چهره‌ای عیان و بی‌پرده باشند از تاریخ بلند مشهد، اما بی‌توجهی سبب می‌شود به‌جای آنکه در مکانی مشخص جمع‌آوری شوند، دوباره در دهان لودرها بیفتند و این‌بار برای همیشه محو شوند، بی‌آنکه بتوانند نقشی در احیای تاریخ و هویت روبه‌فراموشی مشهد ایفا کنند. این توصیف شاید چند کوزه شکسته یا بشقاب‌ی سفالی را به ذهن متبادر کند اما خطرات می‌گویند آنچه در دل بی‌توجهی‌ها و پشت‌پازدن به تاریخ دفن می‌شود، سنگ‌قبرهای نفیسی بوده است در اطراف، پراکنده بی‌آنکه فرصتی برای بررسی پیدا کنند. لنگرهای بافندگی سنگی هم در این بزم تاریخی حاضرند. قطعات خراس، هاون‌ها و دیگر سازه‌های سنگی نیز لای خروارها خاک مدفون شده‌اند. هیچ کس هم برایش اهمیت ندارد که این سازه آجری، سنگی یا سفالی چیست و از کدام بخش ناگفته تاریخ این دیار کایت می‌کند. لباف در روپارویی با این صحنه می‌گوید: «وقتی خاک‌ها را برداشته بودند،

هرجا را نگاه می‌کردیم، یک قطعه از تاریخ از خاک بیرون آمده بود که داشت نابود می‌شد. متحیر بودیم و غصه می‌خوردیم که چه کنیم. بخشی از این‌ها را ما جمع‌آوری، فهرست و به حرم منتقل کردیم اما بعضی از آن‌ها متأسفانه معدوم شد و زیر خاک رفت.»

بررسی ۱۸ نقطه در ۲ فصل کاری

این پژوهشگر به‌همراه گروهش، در دو نوبت سه‌ماهه و یک‌ماهه(سال ۷۰ و سال ۷۱) در ناحیه زیرین حرم به زمینی بکر و دست‌نخورده دست پیدا می‌کنند و باتوجه‌به فرصت محدودی که دارند، در هشت گمانه^(۱) و ۱۰ برش^(۲) آن ناحیه را کاوش می‌کنند. آن‌ها پیش از حضور لودرها و بولدوزرها در یک نقطه به آنجا می‌روند تا کندوکاو کنند. این گروه به موازات تخریب، پیش می‌روند تا یک گام جلوتر به خاک دست‌نخورده و بکر دست پیدا کنند، تجربیات ارزشمندی که نه برای او تکرارشدنی است نه برای هیچ فرد دیگری. هجده نقطه در این طرح مطالعاتی بررسی شده که یافته‌های جالبی را برای پژوهشگران آن به‌دنبال داشته است. لباف‌خانیک‌ی درباره چرایی توقف پژوهش می‌گوید: «وقتی کار به بتن‌ریزی رسید و پایه‌ها زده می‌شد، ما مزاحم کار آن‌ها بودیم و دیگر امکان کار درمیان ساخت‌وسازها نبود. من دوست داشتم پنج سال در اینجا کار و دایره‌المعارفی برای اطلاعات آن ترسیم می‌کردیم.»

ساخت‌وسازهای ۲ قرن پیش

نخستین گمانه در جنوب‌غرب خیابان امام‌رضا^(ع)، زمین ناب اطراف حرم را می‌شکافت تا تاریخ از دل آن بیرون بیاید. گروه کاوشگر در این نقطه هرچه بیشتر زمین را می‌کاوند، به چاه‌های بیشتری می‌رسند. با کمچه، قلم‌مو و اسباب کاوش، آرام زمین را می‌شکافند تا فراوانی چاه‌ها در یک فضای کوچک معلوم شود، مسئله‌ای که یک باستان‌شناس این‌طور تفسیرش می‌کند: «چاه‌های توالت، نشان از تجمع اقامت است. این تعداد چاه، نشان از ساخت‌وسازها در قرن دوازدهم و سیزدهم دارد که نشان می‌دهد در یک محدوده خانه‌های زیادی ساخته شده.»

درواقع هر چاه‌رد یک خانه‌بود که نشان می‌داد در اطراف حرم، منازل با سرعت و متراکم ساخته و تخریب می‌شدند. در لایه‌های بالاتر، تراکم ساختمان چاه‌ها بیشتر می‌شد که خبر از افزایش ساخت‌وساز در اواخر دوره صفوی و اوایل قاجار می‌دهد.

برش اول؛ چاهی پر از استخوان

در سوی دیگر خیابان امام‌رضا^(ع)، چاهی پر از استخوان می‌یابند. سری باکلاه‌خود بدون بدن در کنار دیگر استخوان‌ها روی هم ریخته شده است. فرصتی برای شناسایی استخوان‌ها و شمارش آن‌ها نیست. عکاسی و ثبت آن‌ها تنها کاری است که می‌توان انجام داد. کاوشگران در این جست‌وجو دو فرضیه را مطرح می‌کنند: «نخست، باقی‌مانده استخوان‌های گورهای خالی یک گورستان. در این نزدیکی را در این چاه تخلیه کرده‌اند. گمانه دیگر، در جنگ، گروهی این افراد را در چاه مدفون کرده‌اند. شبیه این چاه، در ششتمد سبزوار بود که چهارده جسد از زمان مغول در یک چاه مدفون شده بودند.»

سازه سلجوقی

آن‌ها در کاوشی دیگر در عمق چهارده‌متری به یک‌سازه معماری آجری می‌رسند؛ بخشی از یک سازه بزرگ‌تر که قسمت زیادی از آن در دل خاک و از زمان سلجوقی به یادگار مانده است. طبق گفته این باستان‌شناس، رباط‌شرف نمونه دیگر معماری این عصر است که معمار با اجزهای مختلف، هر نقشی را اجرا کرده است. سفال‌های زربین‌فام، رنگارنگ، قالب‌زده، مرصع و نقش‌افزوده که مرتبط با دوران سلجوقی است، در این گمانه یافت می‌شود، البته کاوشگران درباره بنای سازه سکوت می‌کنند، زیرا برای اظهارنظر باید همه آن را از زیر خاک بیرون کشید. لباف‌خانیک‌ی ادامه می‌دهد: «تراکم فضاهای معماری و مصالحی که استفاده شده بود، نشان می‌داد سازه مهمی بود که ما به آن دسترسی نداشتیم.»

یافته تأسیسات آبی و گمانه‌های دیگر

برای آن‌ها که اهل شناخت دنیای باستان و زیر خاک هستند، هر یافته‌ای معنا دارد. مهم نیست آن دستاورد یک تکه زغال باشد یا نحوه قرارگیری یک جسد و اسبابی که همراه اوست. در عالم باستان‌شناسی، همه‌چیز صاحب معناست. یکی از نکته‌هایی که از نگاه محققان پنهان نمی‌ماند، کانال‌های آب‌رسانی و قنات‌های متعددی است که در زیر خاک مدفون شده‌اند. بسیاری از مسیرهای آب، کور شده یا درهم ریخته بود و بعضی از آن‌ها هنوز آب داشت و لجن اطرافش پراکنده بود. گول‌ها(راه‌های سفالی برای انتقال آب) هم در این محدوده زیاد بود. باستان‌شناس این یافته‌ها را این‌گونه تفسیر می‌کند: «طبق این یافته‌ها، هرچه زمان گذشته و جمعیت شهر بیشتر شده، بر تلاش برای تأمین آب هم افزوده شده است. تأسیسات مربوط به آب در لایه‌های بالا(مربوط به دوران صفویه و قاجار) قرار داشت که نشان می‌داد در این زمان، کمبود آب در مشهد جدی‌تر بوده و تلاش بیشتری جهت تأمین آب مشهد شده است.»



- در این کاوش تاریخی به چه یافته‌هایی رسیدید که جالب توجه است؟

هرچه در عمق کار می‌کردیم، یافته‌ها ارزشمندتر و نفیس‌تر بودند. در لایه‌های نخستین در عمق زمین، سازه‌های معماری عمقی مستحکم داشتند و تزیینات معماری اصیل بودند.

- آیا این کاوش‌ها در تاریخ مشهد، تغییری ایجاد کرد؟

دشت مشهد از چنان‌ران تا سنگ‌بست، دارای یک شریان حیاتی به نام کشف‌رود است و

۵۰ متر تا ضریح مطهر

زیر ایوان طلای صحن نو، همان جایی است که کاوشگران در نزدیک‌ترین نقطه به مضجع شریف امام‌رضا^(ع) قرار می‌گیرند؛ یک فاصله پنجاه‌متری از ضریح در عمق چهارمتری زمین. دکتر لباف‌خانیک‌ی می‌گوید: «من علاقه داشتم به بنای چهارطاقی که نخستین مقبره امام‌رضا^(ع) بوده، نزدیک شوم. همان زمان متوجه شدم که خاک زیر صحن آزادی را تخلیه می‌کنند تا آن را به یک گورستان چندطبقه تبدیل کنند. بیشتر قسمت‌های آن با لودر و بولدوزر تخلیه شده بود و من خواش و تمنا کردم که یک بخش از خاک را بگذارید ما برداشت کنیم. آن تکه باقی‌مانده را ما کاوش کردیم که در خط مستقیم حدود پنجاه متر از مضجع شریف فاصله داشت. من خوش‌شانس بودم که آن زمان آنجا بودم.»

آثاری از قرن ۲ و ۳ هجری

معماری‌های اساسی، دیواره‌های خشت‌وگلی با اندود گچ، کوره کوچک سفالگری، دیوارهای تخریب‌شده در طول زمان به اضافه گورخانه آجری(به‌جای‌مانده از دوران تیموری) که ساخته و تخریب شده بود، یافته‌های کاوشگران در عمق ۳۸۴ سانتی‌متری از سطح زمین است. لباف‌خانیک‌ی درباره این سازه می‌گوید: «کهن‌ترین آثار مشهد در این گمانه یافت شد. اگر دنبال فضاهای اعیانی و اشرافی قرن سوم و چهارم یا حتی دوم هجری می‌بودیم، باید آن را کامل بررسی می‌کردیم. طبق یافته‌ها، در سه دوره در این مکان، ساخت‌وساز شده بود و سفال‌هایی متعلق به قرن سوم هجری به بعد نیز در آن یافتیم.»

چینی‌های تقلبی از زمان صفوی

ظروف و سفال‌هایی که آن‌ها در کاوش‌هایشان می‌یابند، اگرچه تعدادشان زیاد است، سالم نیستند. ظروف گلی یافت‌شده، بیشتر از زمان ایلخانی و تیموری است که مشهد به‌عنوان پایتخت، بروبیایی داشته است. پس از آن، ظروف دوره صفوی فراوان بوده‌است که نشان از رونق مشهد در آن زمان دارد، اما نکته‌ای که از نظر باستان‌شناسان دور نمانده، حضور چینی‌های تقلبی در عهد صفوی درمیان ظروف کشف‌شده است؛ ظروفی که تولید چین نیست و در همین مشهد ساخته می‌شده، ولی تولیدکننده آن تلاش کرده است نقش‌ونگار آن مانند ظروف چینی باشد و در زیر ظرف، حروف چینی را حک کرده است. طبق گفته دکتر لباف‌خانیک‌ی، این یافته‌ها نشان از علاقه ایرانی‌ها به کالاهای چینی و بازار خوب آن در عهد صفوی داشته است: «این حروف چینی، معنایی ندارند و تقلب محض از ظروف مشابه چینی هستند. ما در کاوش‌هایمان، نمونه‌های اصلی این ظروف را نیز یافتیم.»

بالباف خانیک‌ی درباره مهم‌ترین کاوش مشهد

- آیا یافته‌های شما آنچه در متون تاریخی درباره این شهر آمده است، تأیید می‌کند؟

برداشت خودم از یافته‌ها، همان چیزی بود که در متون تاریخی کهن باشد. مشهد پس از شهادت

- امام‌رضا^(ع)، از زمان سلجوقی و تیموری پامی‌گیرد و یافته‌های کاوش نیز مربوط به آن زمان است.

باید تمام یک محوطه کاوش شود تا بتوان



نظر دقیق داد. اما ما کاوشمان کامل نبود و درمجموع به ۱۰/۰ درصد از عرصه اطراف حرم دسترسی نداشتیم، البته از این یافته‌ها می‌توان گفت که زمین مشهد در قرن سوم و چهارم هجری، مسطح نبوده و دارای دره‌ها و ارتفاعات بوده است؛ چون در یک گمانه، در عمق چهارمتری به سازه می‌رسیم و در جای دیگر، در عمق چهارده‌متری که نشان می‌دهد زمین مشهد ۱۰ متر اختلاف ارتفاع در این محدوده داشته است.

توضیح متن:
۱- به حفاری باستان شناسان یک نقطه از زمین می‌گویند.
۲- به حفاری عمودی که مانند یک برده روی دیوار است اتلاق می‌شود

تاریخ و هویت

نمایی از تخریب بافت اطراف حرم در ساخت زیرگذر از سمت پست طلوسی

شماره ۳۳
۱۲ مرداد ۱۴۰۲
۱۲ مهر ۱۴۴۵
شماره ۲۰۰۲

SHAHRAKNEWS.IR

۱۵

